

تبعیض جنسی در جامعه ما

خجسته زنی کوز مادر نژاد!

طاهره شیخ الاسلام

پرچمداران فرهنگ و ادب ما نیز که داعیه اصلاح جامعه را دارند نه تنها مخالفتی با اینگونه بی عدالتی ها نکردند بلکه بر آتش آن دامن زدند و در قالب شعر و نثر با صراحت تمام زنان را مورد تحقیر قرار دادند و دیگران را توصیه به این کار کردند.

در این جا نگاهی گذرا می افکنیم بر سروده های تعدادی از شاعرانمان تا ببینیم در مورد نیمی از جمعیت جامعه، یعنی خواهران، همسران، دختران و بالاخره مادران خویش که در دامان آنها قدم به جهان گذاشته اند چه گفته اند.

اطلاع واثق دارم که بعضی از این اشعار در متن موضوع یا داستانی خاص بیان شده اند، اما شاعر نیز که محصول فرهنگ حاکم بر جامعه زمان خویش است - فرهنگی که متأسفانه تاکنون تغییر چندانی نیز نکرده - در داستان خود خطا یا نادانی یک زن را به تمام زنان جامعه تعمیم داده و درباره همه آنها حکم کلی صادر می کند، در حالی که چنین احکام کلی در مورد مردان با تمامی جنایاتی که در دنیا و در طول تاریخ مرتکب شده و می شوند صادر نشده است. در شاهنامه فردوسی چنین آمده است:

کسی کو بود مهتر انجمن

کفن بهتر او را ز فرمان زن

سیاوش ز گفتار زن شد به باد

خجسته زنی کوز مادر نژاد

چو این داستان سر به سر بشنوی

به آید تو را گر به زن نگروی

زن و ازدها هر دو در خاک به

جهان پاک از این هر دو ناپاک به



یکی از بارزترین شاخصه های جوامع غیر پیشرفته، تبعیض و یکی از فراگیرترین آنان تبعیض جنسی است. تبعیضی که چهره شنیع خود را از اوان کودکی با تفاوتی که والدین بین فرزندان پسر و دختر خود می گذارند به نیمی از مردم این جوامع، یعنی زنان، نشان می دهد.

و سعدی، معلم اخلاق، این چنین به مردان جامعه رهنمود می‌دهد:

تو زن نو کن ای خواجه هر نوبهار
که تقویم پارینه ناید به کار

و در جایی دیگر به مردان چنین توصیه می‌کند که: مشورت با زنان تباه است و سخاوت با مفسدان گناه.

و سنایی چنین می‌فرماید:

حمله با شیرمرد همراه است

حیله کار زن است و رویاه است

در این جا ممکن است عده‌ای از آقایان در رابطه با مکر زنان شاهد مثال از تاریخ بیاورند. باید گفت که مکر نتیجه غیرقابل اجتناب عجز است، بدین معنی که وقتی

نفس خود را زن شناس از زن بتر
زانکه زن جزوی است نفست کل شر

مشورت با نفس خود گر می‌کنی

هر چه گوید، کن خلاف آن ذنی (= پست و فرومایه)

طبیعی است که ذهن و فکر و اندیشه در شرایط مساعد رشد می‌کند. هنگامی که زن فقط اجازه داشته باشد بچه بزاید و به کارهای خانه بپردازد و از وقت آزادش نیز نتواند به کاری غیر از نشستن و غیبت کردن بپردازد، ذهن و فکرش راکد می‌ماند و بدیهی است که مشورت با دارندهٔ مغز راکد، خواه مرد باشد و یا زن خطا خواهد بود.

در این جا فرصت را مغتتم شمرده و این سوال را از تمامی خوانندگان این سطور می‌کنم که چگونه از مادرانی که زخم تحقیری این چنین به گناه جنسیتشان دارند انتظار می‌رود ملتی با اعتماد به نفس، سربلند و پیشرو در دامن خویش بپرورانند؟

شکی نیست که این شاعران از افتخارات ادبی کشور ما و جهان هستند، اما کسانی که کارشان بررسی آثار این بزرگان است، بایستی همچنان که

به جنبه‌های مثبت کار این ادیبان می‌پردازند، توجه مردم را به وجوه منفی کار آنان چون زن‌ستیزی که با معیارهای انسان‌سالاری در جهان امروز در تضاد است، نیز جلب نمایند. متأسفانه مطلق‌نگری و بت‌سازی که دو ویژگی اخلاقی مخرب دیگر در میان ما هستند باعث می‌شوند که از برخی از

شاعرانمان بت بسازیم و آنقدر آنها را بزرگ کنیم که شهامت نقد کردن آنها را از دست بدهیم. علاوه بر آن ترس از مورد حمله قرار گرفتن از جانب مردمی که از این شاعران مراد ساخته‌اند نیز باعث می‌شود حتی کسانی نیز که این کژی و کاستی‌ها را در آثار این بزرگان یافته‌اند در مورد آنها سکوت پیشه کنند.

اولین قدم برای رهایی از اسارت این دایرهٔ بسته، آگاه شدن از نقاط ضعف فرهنگی مان و تلاش در جهت تعدیل و به نحو اولی حذف آنها در خودمان است.

اگر ما از همین امروز تمرین عدالت را از درون خانوادهٔ خود با قایل شدن حقوق انسانی مساوی برای خود و همسرمان و داشتن نگاه برابر به فرزندان دختر و پسر خود شروع کنیم، بطور حتم این رفتارهای عادلانه در آینده‌ای نه چندان دور به داشتن سیستم اجتماعی عدالت‌مندانه‌تری منجر خواهد گردید.

* بر گرفته شده از کتاب «ما چرا چنین شدیم» به قلم همین نویسنده که به زودی منتشر خواهد شد.

*** اولین قدم برای رهایی از اسارت این دایرهٔ بسته، آگاه شدن از نقاط ضعف فرهنگی مان و تلاش در جهت تعدیل و به نحو اولی حذف آنها در خودمان است.***

موجودی در تنگنا و فشار قرار گرفت و عاجز شد، در راستای تنازع بقای خویش به مکر و فریب روی می‌آورد.

پس از سنایی نوبت ناصر خسرو می‌رسد . ایشان چنین می‌سراید:

به گفتار زنان هرگز مکن کار
زنان را تا توانی مرده انگار

و بالاخره در دفتر دوم مثنوی چنین می‌خوانیم:

گفت گر کودک در آید یا زنی

کو ندارد رأی و عقل روشنی

گفت با او مشورت کن و آنچه گفت

تو خلاف آن کن و در راه آفت